



تربیت دینی

در دوره دبستان و دبیرستان

محمود نوذری

زمستان ۱۴۰۱

نوذری، محمود، ۱۳۳۸ -
تربیت دینی در دوره دبستان و دبیرستان / محمود نوذری. - قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه: تهران: دانشگاه فرهنگیان،
انتشارات، ۱۴۰۱.
ده، ۲۸۸ص. : جدول - (پژوهشگاه حوزه و دانشگاه؛ ۶۵۹: علوم تربیتی؛ ۶۱)
ISBN: 978-600-298-454-8
بها: ۱۱۵۰۰۰۰ ریال
فهرست‌نویسی براساس اطلاعات فیبا.
کتابنامه. ص. [۲۷۳] ۲۷۸: همچنین به صورت زیرنویس.
۱. اسلام و آموزش و پرورش. ۲. Islamic education. ۳. تربیت اخلاقی -- جنبه‌های مذهبی -- اسلام.
۴. Islam -- Religious aspects -- Moral education. ۵. تعلیمات دینی اسلام. ۶. Islamic religious education
الف. پژوهشگاه حوزه و دانشگاه. ب. دانشگاه فرهنگیان. انتشارات.
BP۲۳۰/۱۸ ۲۹۷/۴۸۳۷
شماره کتابشناسی ملی ۹۰۷۲۱۷۱



تربیت دینی در دوره دبستان و دبیرستان

مؤلف: دکتر محمود نوذری (دانشیار پژوهشگاه حوزه و دانشگاه)

ناشران: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه و دانشگاه فرهنگیان

صفحه‌آرایی: تحریر اندیشه

چاپ اول: زمستان ۱۴۰۱

تعداد: ۲۰۰۰ نسخه

لیتوگرافی: سعیدی

چاپ: قم - سبجان

قیمت: ۱۵۰۰۰ تومان

کلیه حقوق برای پژوهشگاه حوزه و دانشگاه و دانشگاه فرهنگیان محفوظ و نقل مطالب با ذکر مأخذ بلامانع است.

قم: ابتدای شهرک پردیسان، بلوار دانشگاه، نیش میدان علوم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، تلفن: ۰۲۵-۳۲۱۱۱۱۰۰ (انتشارات

۳۲۱۱۱۳۰۰) نمابر: ۳۲۸۰۳۰۹۰، ص. پ. ۳۱۵۱-۳۷۱۸۵

تهران: خ انقلاب، بین وصال و قدس، کوی اُسکو، پلاک ۴، تلفن: ۰۲۶۰۲۶۴۰۶۶۴

www.rihu.ac.ir info@rihu.ac.ir

http://rihu.ac.ir/fa/book فروشگاه اینترنتی:

مرکز پخش: قم، خیابان معلم، مجتمع ناشران، طبقه همکف، پلاک ۲۷، تلفن: ۰۲۵-۳۷۸۴۲۶۳۵-۶

سخن ناشران

نیاز گسترده دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی به منابع و متون درسی در رشته‌های علوم انسانی و محدود بودن امکانات مراکز علمی و پژوهشی که خود را موظف به پاسخ‌گویی به این نیازها می‌دانند، ایجاب می‌کند امکانات موجود با همکاری دانشگاه‌ها و مراکز پژوهشی در مسیر اهداف مشترک به خدمت گرفته شوند و افزون بر ارتقای کمی و کیفی منابع درسی و جلوگیری از دوباره‌کاری، گامی در مسیر تولید دانش‌های مربوطه برداشته شود.

به همین منظور دانشگاه فرهنگیان و پژوهشگاه حوزه و دانشگاه اقدام به عقد قرارداد مشترکی جهت تولید هشت عنوان کتاب درسی از مجموعه عناوین دروس تعلیم و تربیت اسلامی دانشگاه فرهنگیان نمود. کتاب حاضر ششمین اثر مشترک از این مجموعه است که تحت عنوان «تربیت دینی در دوره دبستان و دبیرستان» به جامعه علمی کشور عرضه می‌شود.

از استادان و صاحب‌نظران ارجمند تقاضا می‌شود با همکاری، راهنمایی و پیشنهادهای اصلاحی خود، ما را در جهت ارتقای کیفی کتاب حاضر و تدوین دیگر آثار موردنیاز جامعه دانشگاهی جمهوری اسلامی ایران یاری دهند.

این کتاب برای عنوان درسی «تربیت دینی کودک و نوجوان براساس آموزه‌های اسلام» در مقطع کارشناسی دانشگاه فرهنگیان تدوین شده است. امید است که افزون بر جامعه دانشگاهی، دیگر علاقه‌مندان نیز از آن بهره‌مند گردند.

در پایان لازم می‌دانیم از تلاش‌های مؤلف محترم اثر، حجت‌الاسلام والمسلمین دکتر محمود نوذری، و نیز از ارزیابان محترم، آقایان دکتر سیدنقی موسوی، دکتر محمد داودی و دکتر مصطفی فیض سپاسگزاری کند.

فهرست مطالب

دبیاچه..... ۱

بخش اول: مبانی انسان‌شناختی، تدین‌شناختی، روان‌شناختی و مفاهیم اساسی فصل اول: مبانی انسان‌شناختی تربیت دینی

اهداف فصل.....	۱۱
پیش‌سازمان‌دهنده.....	۱۱
مقدمه.....	۱۲
۱. مفاهیم اساسی.....	۱۳
۲. تبیین حقیقت انسان با رویکرد فطری‌نگر.....	۱۶
۳. تبیین نقش نیروهای درونی و بیرونی در آشکار شدن فطرت الهی.....	۱۷
۳-۱. تبیین نقش نیروهای درونی در آشکارسازی فطرت الهی.....	۱۹
۳-۱-۱. تبیین ماهیت نظام هدایت فطری.....	۱۹
۳-۱-۲. تبیین نقش نیروهای شناختی، انگیزشی و گرایشی در آشکار سازی فطرت الهی.....	۲۴
۳-۱-۳. تمایل و عشق ذاتی به برخورداری از لذت، سعادت و کمال نامحدود.....	۲۵
۳-۲-۱. گرایش فطری به شناخت خدا به‌عنوان پدیدآورنده و خالق جهان.....	۲۶
۳-۲-۲. گرایش فطری به شکل‌دهی به ایمان انسانی (ساخت هدف و معنای زندگی).....	۲۸
۳-۲-۳. گرایش فطری در مقام داوری به ترجیح حق، خیر و زیبایی بر باطل.....	۲۹
۳-۲-۴. گرایش فطری-انفعالی برای تبدیل ایمان عقلی به قلبی و شکل‌دهی به احساسات دینی.....	۳۰
۳-۲-۵. ظرفیتی فطری در بعد تخیلی وجود انسان برای شکل‌دهی به فهم انسان.....	۳۱
۳-۲-۶. تأثیر نیروهای مربوط به مرتبه بدنی انسان بر شکوفایی فطرت الهی.....	۳۲
۳-۲. تبیین نقش نیروهای بیرونی.....	۳۷
۳-۱-۲. نقش اجتماع و فرهنگ در شکل‌دهی به ایمان.....	۳۸
۳-۲-۲. نقش عوامل ماوراءالطبیعی در شکل‌دهی به ایمان.....	۴۰
۳-۲-۳. نقش دین در رشد بذر فطرت الهی و تبدیل آن به حیات طیبه.....	۴۱
چند پرسش برای یادگیری بهتر مطالب فصل.....	۴۳

فصل دوم: مبانی تدین شناختی و روان شناختی تربیت دینی

اهداف فصل	۴۵
پیش‌سازمان‌دهنده	۴۵
مقدمه	۴۶
۱. مبانی تدین شناختی	۴۷
۱-۱. چیستی دین‌داری (تدین)	۴۷
۱-۲. مبدأ دین‌داری	۴۹
۱-۳. غایت تحول دین‌داری	۴۹
۱-۴. واقعیت در حال تغییر در فرایند کسب دین‌داری	۵۰
۱-۵. عوامل شکل‌دهی و تحول دین‌داری	۵۱
۲. تبیین الگوی یادگیری دین‌داری	۵۲
۲-۱. ماهیت یادگیری دینی	۵۴
۲-۲. تبیین فرایند یادگیری دینی	۵۴
۲-۳. قلمرو یادگیری دینی	۵۵
۲-۴. عوامل یادگیری	۵۵
۲-۵. قواعد یادگیری دینی	۵۶
چند پرسش برای یادگیری بهتر مطالب فصل	۵۹

فصل سوم: مفهوم‌شناسی تربیت دینی و عناصر الگوی برنامه درسی تربیت دینی

اهداف فصل	۶۱
پیش‌سازمان‌دهنده	۶۱
مقدمه	۶۲
۱. تعریف واقعیت اساسی تربیت دینی	۶۳
۲. مفهوم‌شناسی عناصر الگوی برنامه درسی تربیت دینی	۷۰
۲-۱. هدف تربیتی	۷۱
۲-۲. نقش معلم	۷۲
۲-۳. تلقی از تربی	۷۵
۲-۴. تلقی از فرایند یادگیری	۷۵
۲-۵. تلقی از آموزش	۷۶
۲-۶. ارزشیابی	۷۶
۳. کودکی و نوجوانی	۷۶
۴. مفهوم‌شناسی «الگوی تربیت دینی در مدرسه» از آغاز تا زمان حاضر	۷۷
چند پرسش برای یادگیری بهتر مطالب فصل	۸۴

بخش دوم: تربیت دینی در دوره دبستان (۷-۱۲ سالگی)
فصل چهارم: شکل‌گیری و تحول ایمان در دوره دبستان

اهداف فصل.....	۸۷
پیش‌سازمان‌دهنده.....	۸۷
مقدمه.....	۸۸
۱. مفاهیم اساسی.....	۹۰
۲. توانایی‌ها کودک در کشف وجود خدا و عمق‌بخشی به شناختش از او.....	۹۲
۱-۲. توانایی کودک در کشف وجود خداوند.....	۹۳
۲-۲. توانایی کودک در اندیشیدن درباره خدا به شیوه‌ای غیرمادی انگارانه و غیرانسان‌انگارانه.....	۹۴
۳-۲. یافته‌های تجربی درباره توانایی کودک در کشف وجود خدا.....	۹۶
۳. توانایی کودک در کشف هدف و معنای زندگی دینی (معنابخشی دینی به دیدگاه در حال ساخت درباره زندگی).....	۹۷
۱-۳. توانایی فکری کودک در معنابخشی زندگی.....	۹۸
۴. توانایی‌ها در شکل‌دهی به احساسات دینی (ایجاد پیوند بین شناخت و احساس دینی).....	۱۰۳
۱-۴. یافته‌های تجربی.....	۱۰۴
۵. توانایی کودک در ابراز التزام دینی (ایجاد پیوند بین شناخت، احساس و اراده و عمل).....	۱۰۹
۶. توانایی کودک در جاری کردن ایمان در زندگی (ایجاد پیوند بین شناخت، احساس، اراده و عمل دینی).....	۱۱۳
چند پرسش برای یادگیری بهتر مطالب فصل.....	۱۱۶

فصل پنجم: الگوی تربیت دینی در دوره دبستان (۷-۱۲ سالگی)

اهداف فصل.....	۱۱۹
پیش‌سازمان‌دهنده.....	۱۱۹
مقدمه.....	۱۲۰
۱. اهداف تربیت دینی.....	۱۲۲
۱-۱. مرتبه قابل تحقق از هدف غایی در گستره ۷-۱۲ سالگی.....	۱۲۲
۲-۱. اهداف واسطی.....	۱۲۴
۲. محتوای تربیت دینی: مفاهیم اساسی و اصول سازماندهی محتوا.....	۱۲۷
۳. روش‌های تربیتی.....	۱۲۹
۱-۳. روش‌های شکل‌دهی به ایمان عقلی (پیوند بین شناخت، ارزش، اراده و ابراز التزام به خداوند).....	۱۳۰
۳-۱. اصلاح و عمق‌بخشی به نظام باورها و ارزش‌های تقلیدی درونی‌شده.....	۱۳۱
۳-۱-۲. بهره‌گیری از پرسش‌های فطری کودکان درباره خدا برای شکل‌دهی به ایمان.....	۱۳۳
۳-۱-۲-۱. مقصود از روش بهره‌گیری از پرسش‌های فطری کودکان.....	۱۳۳
۳-۱-۲-۲. مراحل اجرای روش.....	۱۳۴
۳-۱-۲-۳. نکات مهم در چگونگی پاسخ‌دهی به پرسش‌های فطری کودکان.....	۱۳۵
۳-۱-۲-۴. تکنیک‌های اجرای روش در کلاس درس و برنامه‌های پرورشی.....	۱۳۷
۳-۱-۳. خودشناسی به‌منزله شیوه‌ای برای شکل‌دهی به ایمان.....	۱۳۸

۱-۳-۴	روایت‌گری به‌منزله شیوه‌ای برای ساخت دیدگاهی کل‌نگر و توحیدی	۱۴۳
۱-۳-۵	روایت‌گری به‌منزله شیوه‌ای برای افزایش درک مفاهیم اساسی شکل دهنده به ایمان	۱۴۶
۱-۳-۶	ترکیب روش آزمایشگاهی و جمله‌های تأییدی	۱۴۹
۱-۳-۷	افزایش تعالی‌جویی کودک (آرمان‌سازی برای زندگی فردی و اجتماعی)	۱۵۳
۱-۳-۸	پرسشگری به شیوه‌های متنوع	۱۵۵
۲-۳	روش‌های پرورش احساس دینی (تبدیل ایمان عقلی به قلبی)	۱۵۸
۱-۲-۳	افزایش هشیاری کودک نسبت به احساسات دینی تجربه شده	۱۶۰
۲-۲-۳	روش خلق فرصت‌های یادگیری احساسات دینی	۱۶۱
۳-۲-۳	تغییر در الگوی آموزش عبادات	۱۶۳
۳-۳	روش‌های جاری‌سازی ایمان در ساحت‌های گوناگون زندگی	۱۶۵
۱-۳-۳	مدرسه محوری به‌منزله روشی برای تبدیل مدرسه به محلی برای شکل‌دهی به حیات طیبه	۱۶۷
۴-۳	روش‌های شکل‌دهی به ویژگی‌های مثبت عاطفی، اخلاقی و زیباشناختی	۱۷۰
۱-۴-۳	اصلاح سازوکارهای جامعه‌پذیری در مدرسه با هدف تبدیل مدرسه به مدرسه صالح	۱۷۲
۲-۴-۳	روش خوب‌شدن‌داری	۱۷۴
۱-۲-۴-۳	مبانی و مفهوم روش خوب‌شدن‌داری	۱۷۴
۲-۲-۴-۳	مراحل پرورش خوب‌شدن‌داری	۱۷۵
۳-۴-۳	اصلاح الگوی آموزش اخلاق در مدرسه	۱۷۹
۴-۴-۳	کمک به کودک برای درک زیبایی‌های جهان	۱۷۹
۴	ارزشیابی میزان نیل به مرتبه قابل تحقق از حیات طیبه	۱۸۱
۱-۴	مفهوم و هدف ارزشیابی	۱۸۱
۲-۴	روش ارزشیابی	۱۸۲

بخش سوم: تربیت دینی در دوره دبیرستان (نوجوانی: ۱۲-۱۸ سالگی) فصل ششم: شکل‌گیری و تحول ایمان در دوره دبیرستان (۱۲-۱۸ سالگی)

اهداف فصل	۱۸۷
پیش‌سازمان دهنده	۱۸۷
مقدمه	۱۸۸
۱. توانایی‌ها نوجوان در شناخت خداوند به‌عنوان موجودی روحانی و مجرد	۱۸۹
۱-۱. یافته‌های تجربی	۱۹۰
۲. توانایی کودک در کشف هدف و معنای زندگی دینی	۱۹۲
۱-۲. نتایج یافته‌های تجربی	۱۹۴
۳. توانایی‌ها در شکل‌دهی به احساسات دینی (ایجاد پیوند بین شناخت و احساس دینی)	۱۹۸
۱-۳. نتایج یافته‌های به شیوه تجربی	۲۰۰
۴. توانایی کودک در ابراز التزام دینی (ایجاد پیوند بین شناخت، احساس و اراده)	۲۰۲
۵. توانایی نوجوان در جاری کردن ایمان در زندگی (ایجاد پیوند بین شناخت، احساس، اراده و عمل دینی)	۲۰۶
چند پرسش برای یادگیری بهتر مطالب فصل	۲۰۹

فصل هفتم: الگوی تربیت دینی در دوره دبیرستان (۱۲-۱۸ سالگی)

اهداف فصل	۲۱۱
پیش‌سازمان‌دهنده	۲۱۱
مقدمه	۲۱۲
اهداف تربیت دینی	۲۱۳
۱-۱. مرتبه قابل تحقق از هدف غایی در گستره ۱۲-۱۸ سالگی	۲۱۴
۱-۲. مرتبه قابل تحقق اهداف واسطی (شکل‌دهی به ایمان عقلی و قلبی و جاری کردن آن در زندگی)	۲۱۵
۱-۲-۱. شکل‌دهی به ایمان ذهنی یا عقلی	۲۱۵
۱-۲-۲. تبدیل ایمان عقلی به قلبی (پیوند بین شناخت و احساس دینی)	۲۱۶
۱-۲-۳. جاری کردن ایمان عقلی و قلبی در ساحت‌های گوناگون زندگی	۲۱۶
۱-۲-۴. افزایش توانایی نوجوان در مدیریت خواهش‌های نفسانی	۲۱۷
۱-۲-۵. توانمندسازی گرایش فطری تولیدکننده نیازهای شناختی، انگیزشی و گرایشی دینی	۲۱۷
۲. روش‌های تربیتی	۲۱۹
۱-۲-۱. روش‌های شکل‌دهی به ایمان عقلی و پیش‌نیازهای مفهومی و مهارتی موردنیاز	۲۲۰
۱-۲-۱-۱. سنجش هویت ایمانی شکل‌گرفته و کشف الگوهای ایمانی رایج در بین نوجوانان	۲۲۳
۱-۲-۱-۲. شکل‌دهی به پیش‌نیازهای مفهومی و مهارتی موردنیاز برای ساخت ساختمان هویت ایمانی	۲۲۴
۱-۲-۱-۲-۱. آگاهی‌بخشی به فرایند هویت‌یابی در دوره نوجوانی	۲۲۴
۱-۲-۱-۲-۲. توانمندسازی نوجوان در ارزیابی الگوهای ایمانی	۲۲۵
۱-۲-۱-۲-۳. گفتگو درباره مزایا و معایب الگوهای عام ایمانی کشف شده	۲۲۵
۱-۲-۲. روش‌های شکل‌دهی به ایمان عقلی	۲۲۷
۱-۲-۲-۱. روش خودشناسی یا معرفت نفس	۲۲۷
۱-۲-۲-۲. تدریس با رویکرد مکملیت مرتبه‌ای	۲۳۱
۱-۲-۲-۳. روایت‌گری	۲۳۴
۱-۲-۲-۴. ترکیب روش آزمایشگاهی-جملات تأییدی	۲۳۵
۱-۲-۲-۵. آرمان‌سازی برای زندگی فردی و اجتماعی	۲۳۵
۱-۲-۳. روش‌های پرورش احساس دینی یا تبدیل ایمان عقلی به قلبی و پیش‌نیازهای مفهومی و مهارتی	۲۳۹
۱-۲-۳-۱. سنجش الگوی شکل‌گرفته احساسات به‌طور عام و احساس دینی به‌طور خاص	۲۴۱
۱-۲-۳-۲. شکل‌دهی به پیش‌نیازهای مفهومی و مهارتی موردنیاز برای تبدیل ایمان عقلی به قلبی	۲۴۳
۱-۲-۳-۲-۱. آگاهی‌بخشی به فرایند ساخت الگوی احساسات	۲۴۳
۱-۲-۳-۲-۲. توانمندسازی نوجوان در شکل‌دهی به الگوهای مثبت احساسات	۲۴۴
۱-۲-۳-۲-۳. آگاهی‌بخشی نسبت به ماهیت و فرایند احساس دینی	۲۴۵
۱-۲-۳-۲-۴. روش‌های شکل‌دهی به احساسات دینی یا تبدیل ایمان عقلی به قلبی	۲۴۵
۱-۲-۳-۲-۵. هشیارسازی نوجوان به احساسات دینی تجربه شده	۲۴۶
۱-۲-۳-۳. روش بهره‌گیری از کتاب‌های داستانی	۲۴۷
۱-۲-۳-۳-۲. روش بهره‌گیری از قرآن	۲۴۸

۲۴۹ روش بهره‌گیری از مریبان و الگوهای معنوی
۲۵۰ ۴-۳-۲. خلق فرصت‌های یادگیری برای تجربه طیفی از احساسات دینی
۲۵۰ ۵-۳-۲. دعا به‌منزله روشی برای پرورش احساسات دینی
۲۵۳ ۶-۳-۲. روش‌های جاری کردن ایمان عقلی و قلبی در زندگی
۲۵۵ ۴-۲. بازنگری در برنامه درسی علوم طبیعی، انسانی و ریاضی مبتنی بر فلسفه تعلیم و تربیت اسلامی
۲۵۹ ۱-۴-۲. تبیین نقش و صلاحیت‌های معلمی
۲۶۰ ۳. تبیین نقش معلم
۲۶۰ ۱-۳. تبیین نقش معلم با تحلیل روان‌شناختی فعالیت تدریس
۲۶۲ ۲-۱-۳. تبیین نقش معلم در چارچوب انسان‌شناسی فطری
۲۶۳ ۳-۱-۳. تبیین نقش معلم در چارچوب مبانی نظری تحول‌بنیادین
۲۶۵ ۲-۳. صلاحیت‌های معلمی برای مشارکت در شکل‌دهی به حیات طیبیه در ابعاد و مراتب آن
۲۶۵ ۱-۲-۳. داشتن نگاهی علمی و منسجم به حوزه تربیت اخلاقی، معنوی-دینی کودک و نوجوان
۲۶۷ ۲-۲-۳. مهارت‌های ارتباطی
۲۶۷ ۳-۲-۳. درک عمیق از دستاورد تربیت علمی همراه با تربیت معنوی و دینی برای فرد و جامعه
۲۶۸ ۴-۲-۳. مهارت در تدوین محتوای تلفیقی (تلفیق بین شناخت، احساس و اراده و عمل)
۲۷۰ چند پرسش برای یادگیری بهتر مطالب
۲۷۱ منابع

دیباچه

«تربیت دینی در مدرسه»، به شکلی که امروزه در حوزه اندیشه‌ورزی و عمل تربیتی فهم می‌شود، موضوعی است که هم‌زمان با تأسیس مدارس جدید مطرح شد. اصل ایده هم این بود که محتوای آموزش علوم جدید در مدارس به تضعیف باورها، ارزش‌ها و رفتار دینی می‌انجامد و آموزش اعتقادات، اخلاق و مناسک دینی می‌تواند از تأثیرات آنها بکاهد؛ بنابراین، الگویی برای آموزش دین شکل گرفت که هدف آن حفظ و تقویت باورها، ارزش‌ها و رفتار دینی بود. محتوای آموزشی، دانش معارف اسلامی است که در سه بخش اعتقادات، اخلاق و مناسک ارائه می‌شد. معلم دینی کسی است که بهره‌ای از دانش معارف اسلامی داشت و می‌توانست آن را تدریس کند. ارزشیابی برحسب میزان یادگیری دانش‌آموزان از معارف اسلامی انجام می‌شد.

این ایده، با توجه به اینکه انتظارات را برآورده نمی‌کرد، به موضوعی علمی در بین صاحب‌نظران تربیتی تبدیل شد و در طول یک قرن گذشته به جریانی علمی، برای تولید الگوی برنامه درسی تربیت دینی در مدرسه تبدیل و به پدیدایی الگوهای متعددی منجر شد. با نگاهی از بالا به تحولات، از آغاز تأسیس مدرسه تا کنون، شاهد ظهور و بروز تدریجی چهار الگوی زیر هستیم که هر یک تعریف خاصی از عناصر برنامه درسی و شفافیت‌بخشی به شیوه فعالیت معلمان در تحقق اهداف تربیت دینی ارائه می‌کنند:

۱. الگوی برنامه درسی تربیت دینی با هدف کاستن از تأثیرات آموزش‌های مادی‌گرایانه و سکولارستی بر باورها، ارزش‌ها و رفتار دینی؛

۲. الگوی برنامه درسی تربیت دینی با هدف پرورش شخصیت مسلمان و مؤثر در دنیای معاصر؛

۳. الگوی برنامه درسی تربیت دینی با هدف ساخت شخصیت مسلمان به منزله مقدمه‌ای برای ساخت جامعه و تمدن اسلامی (شهروند جامعه اسلامی در دنیای معاصر)؛

۴. الگوی برنامه درسی تربیت دینی با هدف تبدیل مدرسه به محلی برای ساخت شخصیت مسلمان به منزله مقدمه‌ای برای ایجاد جامعه اسلامی - ایرانی پیشرفته و انعکاس آن در سندی رسمی.^۱

متناسب با تغییر مذکور در فهم از الگوی برنامه درسی تربیت دینی، وظایف جدیدی برای مدرسه و معلمان تعریف شد و برنامه درسی نیز مورد بازنگری قرار گرفت، برای نمونه، بر اساس آنچه در «مبانی نظری تحول بنیادین در نظام تعلیم و تربیت رسمی عمومی» آمده، نقش معلم در نظام آموزش و پرورش ایران، تحقق مجموعه‌ای از شایستگی فردی، خانوادگی و اجتماعی است که نیل به تحقق مرتبه‌ای از مراتب حیات طیبه را ممکن می‌سازد. «با عنایت به یافته‌های فلسفه تربیت و نیز با توجه به معنای تربیت در مطالعات نظری، می‌توان نقش مربی را در ادامه نقش تربیتی انبیاء و اولیای الهی، اسوه‌های زمین، راهنمایی بصیر و عالمی دانست که وظیفه هدایت، روشنگری، برنامه‌ریزی، آموزش، پشتیبانی، مشورت، بازخورد دادن و ترغیب متریبان برای چالش کشاندن موقعیت‌های کنونی و فعلی جهت کسب بسط و ظرفیت‌های وجودی برای کسب شایستگی‌ها و دستیابی به حیات طیبه برعهده دارد» (مبانی نظری تحول بنیادین در نظام تعلیم و تربیت رسمی عمومی، ص ۳۸۵).

ایفای آگاهانه و عالمانه این نقش به وسیله معلمان، مستلزم پیش‌بینی واحدهای درسی است که دانش، بینش و مهارت لازم را برای انجام این رسالت به معلمان ارائه کند و توانایی آن را کسب کنند که فرصت‌های یاددهی - یادگیری موجود در مدرسه را به ابزاری برای شکل‌دهی به حیات طیبه تبدیل کنند.

۱. بررسی تفصیلی این مطلب در مبحث «مفهوم‌شناسی «الگوی تربیت دینی در مدرسه» از آغاز تا زمان حاضر» در فصل سوم خواهد آمد.

دروسی که در زیر مجموعه «دروس حوزه تعلیم و تربیت اسلامی»^۱ در برنامه درسی^۲ دانشگاه فرهنگیان آمده، به طور عمده در راستای اهداف پیش گفته تنظیم شده است. اولین برنامه درسی ای که برای «دروس حوزه تعلیم و تربیت اسلامی» طراحی و اجرا شد، با این نقد جدی استادان مواجه شد که: ۱. محتوای دروس مشتمل بر ایده‌های انتزاعی است و فراگیری آنها صرفاً به تعمیق بنیان‌های فکری مخاطبان منجر شده و کاربردهای عینی و ملموس برای کسانی که می‌خواهند در جایگاه معلم نقش آفرینی کنند، دربر ندارد؛ ۲. هم‌پوشانی زیادی بین محتوای دروس وجود دارد؛ بنابراین، برنامه درسی اولیه تدوین شده برای دروس تعلیم و تربیت اسلامی با هدف ایجاد توازن بین محتوای انتزاعی و عملی^۳ و سایر نقدها، بازنگری شد. در فرایند بازنگری، درس «فلسفه و تعلیم اسلامی» به عنوان درسی با سطح انتزاعی بالا در نظر گرفته شد که به نحوی سامان‌دهنده افکار درباره فرایند تعلیم و تربیت در جمهوری اسلامی ایران است و درس نظام تربیتی به علت هم‌پوشانی حذف شد. دروس «اسناد و قوانین» فلسفه تربیت رسمی و عمومی ادغام شد و درس فلسفه تربیت رسمی و عمومی حذف شد، «تاریخ اندیشه و عمل تربیتی» و «چالش‌های تربیت اسلامی» به عنوان درسی با سطح انتزاعی میانی در نظر گرفته

۱. دروس حوزه تعلیم و تربیت اسلامی عبارت‌اند از: ۱. تربیت دینی کودک و نوجوان؛ ۲. چالش‌های تربیت اسلامی؛ ۳. اخلاق معلمی از دیدگاه اسلام؛ ۴. تجارب مدارس اسلامی معاصر؛ ۵. فلسفه تعلیم و تربیت اسلامی؛ ۶. اسناد و قوانین؛ ۷. سیره تربیتی پیامبر و اهل بیت (علیهم‌السلام)؛ ۸. تاریخ اندیشه و عمل تربیتی؛ ۲. در برنامه درسی دانشگاه فرهنگیان دروس تربیتی (PK) به دو دسته تقسیم شده است: دروسی که برگرفته از علوم تربیتی رایج، نظیر روان‌شناسی تربیتی، نظریه‌های یادگیری و آموزش، جامعه‌شناسی آموزش و پرورش و اصول و روش‌های تدریس، اصول برنامه درسی است و دروسی که مباحث تربیتی را از دیدگاه اسلامی و دیدگاه مصوب در نظام آموزش و پرورش ارائه می‌کند. دو درس «فلسفه تربیت اسلامی» و «اسناد و قوانین» منعکس‌کننده دیدگاه مصوب در مبانی نظری تحول بنیادین است و سایر دروس تربیت اسلامی منعکس‌کننده دیدگاه اسلامی در مسائل تربیتی با هدف کمک به توانمندسازی دانشجویان در نیل به حیات طیبه در شئون و مراتب مختلف آن است.

۳. دانش‌های تربیتی برحسب انتزاعی یا عملی بودن به سه دسته تقسیم می‌شود: بالاترین سطح انتزاع در دانشی، مانند فلسفه تربیتی ظاهر می‌شود که دیدگاه خاصی را درباره انسان، جهان، معرفت و ارزش را ارائه می‌کند و به نحوی سامان‌دهنده افکار و فعالیت‌ها در گزینش اهداف، اصول و روش خواهد بود. دومین سطح انتزاع، ایده انتزاعی را برای هدایت یا تنظیم برنامه آموزشی در آموزش و پرورش ارائه می‌کند. پایین‌ترین سطح ایده‌های تربیتی طرحی را برای تنظیم روابط عملی بین معلم و شاگرد ارائه می‌کند و شیوه یاددهی و یادگیری را تبیین می‌کند.

شده که توصیه‌هایی را برای انجام فعالیت‌ها در محیط مدرسه ارائه می‌کند. در پایین‌ترین سطح، دروس «تربیت دینی در دوره کودکی و نوجوانی»، «سیره تربیتی پیامبر ﷺ و ائمه (علیهم‌السلام)»، «تجارب مدارس اسلامی» و «اخلاق معلمی» در نظر گرفته شد که ایده‌ای را برای تنظیم روابط عملی بین معلم و شاگرد ارائه می‌کنند و شیوه یاددهی-یادگیری را در رابطه معلم و شاگرد تبیین می‌کند.

در مبانی نظری تحول بنیادین در نظام تعلیم و تربیت رسمی عمومی، حیات طیبه به‌عنوان هدف غایی تربیت انسان در نظر گرفته شده است و مراتبی از آن که در گستره ۷-۱۸ سالگی امکان تحقق دارد، به نظام آموزش و پرورش محول شده است. درس «تربیت دینی در دوره کودکی و نوجوانی» ناظر به ارائه ایده‌ای برای اجرایی کردن این مطلب، برای پاسخ به دو پرسش زیر در نظر گرفته شده است:

۱. مرتبه قابل تحقق از حیات طیبه در دوره دبستان و دبیرستان کدام است؟

۲. مربیان، معلمان و مدرسه چگونه می‌توانند با بهره‌گیری از فرصت‌های یاددهی-یادگیری موجود در مدرسه، به طراحی محیط آموزشی و تربیتی پردازند که لحظه‌های حضور دانش‌آموز در مدرسه، به لحظه‌های یادگیری ایمان و حیات پاک در مرتبه قابل تحقق آن، تبدیل شود، می‌توان دو پرسش فوق را به‌صورت زیر نیز مطرح کرد:

۱. الگوی برنامه درسی تربیت دینی در دوره دبستان (۷-۱۲ سالگی) چگونه است؟

۲. الگوی برنامه درسی تربیت دینی در دوره دبیرستان (۱۲-۱۸ سالگی) چگونه است؟
پاسخ دو پرسش فوق در قالب یک نظریه تربیت دینی ارائه شده است و مشتمل بر سه بخش اساسی است:

بخش اول به مبانی تربیت دینی اختصاص دارد و در آن چهار دسته میانی موردنیاز برای سامان‌دهی یک نظریه تربیت دینی بررسی می‌شود:

۱. مبنای انسان‌شناختی: در این مبحث، دیدگاه انسان‌شناسی فطری پیروان صدرای، به‌ویژه علامه طباطبایی، به‌عنوان مبنای انسان‌شناختی تدوین نظریه تربیتی انتخاب شده است. این مبحث به بازخوانی نقشه فطرت، به‌معنای آفرینش خاص انسان و تبیین قواعد تکوینی می‌پردازد که در چارچوب آن نیروهای درونی و بیرونی، ساختمان شخصیت دینی را به‌تدریج شکل

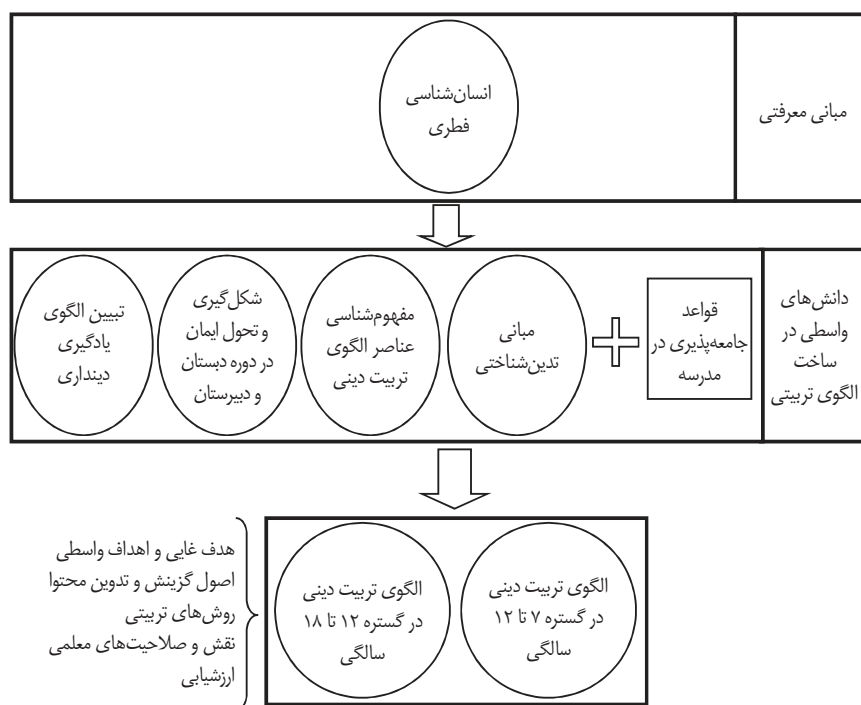
می‌دهند و متحول می‌سازند، به تعبیر دیگر، فرایند کنشگری‌های تکوینی انسان را در حیات زمینی در بازگشت مجدد به سوی خدا توضیح می‌دهد؛

۲. مبانی تدین‌شناختی تربیت دینی: مبانی تدین‌شناختی مجموعه بررسی‌ها درباره چیستی دین‌داری به‌عنوان واقعیتی روان‌شناختی، مبدأ و غایت دین‌داری و عامل تحول در آن را شامل می‌شود که اصول موضوعه را برای تدوین برنامه درسی تربیت دینی فراهم می‌کند؛

۳. مبانی روان‌شناختی: مبانی روان‌شناختی شامل دو دسته بررسی روان‌شناختی درباره دین‌داری است که در مجموع اصول موضوعه برای ساخت نظریه تربیت دینی در اختیار ما گذاشته است، دسته اول بررسی روان‌شناختی چگونگی یادگیری دینی است که یافته‌های آن در قالب یک الگو یا نظریه روان‌شناختی یادگیری ارائه شده است. دسته دوم بررسی روان‌شناختی درباره مراحل تحول دین‌داری در گستره هفت تا هیجده سالگی است؛ در این مبحث توانایی فرد در شکل‌دهی به ایمان و جاری کردن آن در زندگی، مبتنی بر افزایش توانایی نیروهای انگیزشی، گرایش و شناختی در دوره دبستان و دبیرستان بررسی و مرتبه قابل تحقق از حیات طیبه برای این دو مقطع سنی مشخص می‌شود. به تعبیر دیگر، در این فصل، نقشه فطرت در ساخت ساختمان ایمان، در گستره سنی ۷-۱۸ سالگی بررسی و زمینه‌آشنایی بیشتر مریبان را با فرایند کنشگری نظام روانی انسان در شکل‌دهی به ایمان فراهم می‌شود.

بخش دوم نظریه به تبیین دو دسته مفاهیم اساسی می‌پردازد که به‌منزله ابزاری برای ساماندهی و ساخت نظریه عمل می‌کنند. دسته اول مفاهیمی هستند که به ساخت دانش در حوزه مبانی عمل می‌کنند (نظیر مفهوم فطرت و ایمان) و دسته دوم مفاهیمی هستند که به ساخت دانش در حوزه تجویزهای تربیتی کمک می‌کنند (نظیر هدف، محتوا، روش، ارزشیابی).

بخش سوم نظریه به ارائه دو الگوی تربیتی برای دوره دبستان (۷-۱۲ سالگی) و دبیرستان (۱۲-۱۸ سالگی) می‌پردازد. در تدوین هر الگو، ابتدا مرتبه قابل تحقق از حیات طیبه تعیین و در راستای تحقق آن، اصول مربوط به گزینش و سازماندهی محتوا، روش‌های تربیتی، نقش و صلاحیت معلمی و شیوه ارزشیابی، بررسی می‌شود. در شکل زیر اجزای مختلف نظریه تربیت دینی نمایش داده می‌شود:



شکل ۱: اجزای نظریه تربیت دینی و ارتباط بین آنها

مجموعه مباحث فوق در کتاب در قالب سه بخش و هفت فصل زیر ارائه شده است:

بخش اول: مبانی انسان‌شناختی، تدین‌شناختی، روان‌شناختی و مفاهیم اساسی
فصل اول: مبانی انسان‌شناختی تربیت دینی: انسان‌شناسی فطری؛
فصل دوم: مبانی تدین‌شناختی و روان‌شناختی تربیت دینی؛
فصل سوم: مفهوم‌شناسی تربیت دینی و عناصر الگوی برنامه درسی تربیت دینی؛
بخش دوم: تربیت دینی در دوره دبستان (۷-۱۲ سالگی)
فصل چهارم: شکل‌گیری و تحول ایمان در دوره دبستان؛
فصل پنجم: الگوی تربیت دینی در دوره دبستان؛

بخش سوم: تربیت دینی در دوره دبیرستان (۱۲-۱۸ سالگی)

فصل ششم: شکل‌گیری و تحول ایمان در دوره دبیرستان؛

فصل هفتم: الگوی تربیت دینی در دوره دبیرستان؛

مدرسان نیز در تدریس این درس به چند نکته اساسی، بایستی توجه داشته باشند:

۱. نکته اول این است که تدریس بخش اول کتاب برای همه دانشجویان ضروری است و تدریس بقیه بخش‌ها بایستی با توجه به مخاطبان کتاب انجام شود، بخش دوم ویژه معلمان دبستان و بخش سوم ویژه معلمان دبیرستان است.

۲. در تدریس فصل دوم، سوم، چهارم و ششم ارتباط مطالب فصول را با یادگیری‌های قبلی دانشجویان در دروس نظریه‌های یادگیری، رشد و برنامه درسی بیان کنند تا دانشجو مطالب کتاب را به عنوان ادامه آنها و دیدگاهی فهم کند که جنبه عمیق‌تری از انسان را بررسی کرده است.

۳. در بین مطالب فصول پنجم و هفتم تأکید بر یادگیری مسائل زیر اولویت دارد: (۱) تبیین نقش معلم (۲) روش‌های جاری کردن ایمان عقلی و قلبی در ساحت‌های گوناگون زندگی در مدرسه به ویژه روش بازنگری در برنامه درسی علوم، ریاضی و سایر دروس، این مبحث کمک می‌کند تا دانشجویان به نقش خود در شکل‌دهی به دیدگاه دانش‌آموزش در باره هدف، معنای زندگی و ایمان بیشتر آشنا شوند. (۳) مدرسه‌محوری به منزله روشی برای تبدیل مدرسه به محلی برای شکل‌دهی به حیات طیبه (۴) روش‌های پرورش احساس دینی.

بخش اول

مبانی انسان‌شناختی، تدین‌شناختی،

روان‌شناختی و مفاهیم اساسی

فصل اول

مبانی انسان شناختی تربیت دینی

اهداف فصل

انتظار می‌رود دانشجو پس از مطالعه و یادگیری محتوای این فصل بتواند:

- ماهیت انسان در چارچوب انسان‌شناسی فطری را تعریف کند.
- گرایش‌های فطری که زمینه تولید نیازهای دینی و ساخت ایمان عقلی و قلبی را در نظام روانی انسان فراهم می‌کند، نام ببرد و نقش هریک را در شکل‌دهی به ایمان توضیح دهد.
- دو الگو برای تبیین نقش عوامل اجتماعی در شکل‌دهی به ایمان را نام ببرد و توضیح دهید در چارچوب انسان‌شناسی فطری چه الگویی پیشنهاد شده است.
- عوامل ماوراءالطبیعی تأثیرگذار بر شکل‌دهی به ایمان را نام برده، و نقش آنها را توضیح دهد.
- نقش آموزه‌های وحیانی در تبدیل ایمان انسانی به ایمان دینی را توضیح دهد.

پیش‌سازمان‌دهنده

تربیت دینی فعالیتی است که به منظور شکل‌دهی به دین‌داری و ایجاد تحول در آن انجام می‌شود. دین‌داری نیز به معنای پای‌بندی به دین و دین‌طرحی برای سعادت انسان در چارچوب فطرت است؛ به این معنا که خداوند انسان را برای هدفی خلق کرده و نیروهایی در او قرار داده که او را به سوی هدف آفرینش سوق می‌دهد؛ نقش دین در این فرایند کمک به نیروهای درونی است تا هدف آفرینش محقق شود.

این فصل ناظر به این وضعیت، ابتدا به بازخوانی نقشه فطرت و تبیین قواعد تکوینی می‌پردازد که نیروهای درونی در چارچوب آن، ساختمان شخصیت دینی را به تدریج شکل می‌دهند و متحول می‌سازند، در ادامه نقش دین، عوامل اجتماعی و ماوراءالطبیعی در کمک به فرایند مذکور و شکوفایی فطرت الهی و ساخت ایمان با تأکید بر دوره کودکی توضیح داده می‌شود.

مقدمه

نظریه‌های انسان‌شناسی مشتمل بر تفسیری درباره پرسش‌های بنیادینی است که درباره انسان مطرح می‌شود. نیاز به نظریه انسان‌شناسی در پژوهش‌های تربیتی از این جهت است که هرگونه نظریه‌پردازی تربیتی به‌نحوی ناظر به انسان است و دیدگاه پژوهشگر از ماهیت انسان در تولید نظریه نقش اساسی دارد؛ اینکه مقصد تربیت انسان چیست، چگونه می‌توان او را به‌سوی آن رهنمون کرد و چه مراحل در مسیر نیل به مقصد تربیتی وجود دارد، با درک پژوهشگر از چیستی انسان، مقصد زندگی او و چگونگی نیل به مقصد مرتبط است.

نظریه‌های پدیدآمده در تحلیل چیستی انسان از تنوع فراوانی برخوردار است، اما می‌توان آنها را به سه دسته تقسیم کرد: دسته اول، نظریه‌هایی هستند که ریشه گرایش‌ها، خواسته‌ها و رفتار انسان را در ضرورت‌های اجتماعی می‌بینند و نه در درون. دسته دوم، نظریه‌هایی هستند که ریشه گرایش‌ها، خواسته‌ها و رفتار انسان را در خود حیوانی و غرایز طبیعی می‌دانند و دسته سوم نظریه‌هایی هستند که ریشه گرایش‌ها، خواسته‌ها و رفتار انسان را در خود انسانی و الهی او جستجو می‌کنند.

مسائلی که در تبیین فطری از انسان بررسی می‌شود بسیار متعدد است و بررسی همه آنها در اینجا مدنظر نیست. مسائلی موردبررسی در این مبحث مسائلی است که یا در تدوین اجزای نظریه تربیتی یا به مریبان در انجام فعالیت‌های تربیتی کمک می‌کند؛ پژوهشگران تربیتی و مریبان به‌طور عمده نیازمند فهم حقیقت انسان، درک چگونگی شکل‌دهی نیروهای درونی به ساختمان شخصیت انسان و چگونگی تأثیر نیروی بیرونی بر نیروهای درونی هستند؛ زیرا پژوهشگران و مریبان درصدد ایجاد دگرگونی مطلوب در انسان هستند و آگاهی از قواعد تکوینی حاکم بر دگرگونی‌ها در نیروهای درونی و تعامل نیروهای درونی و بیرونی به آنها در گزینش روش‌ها و تکنیک‌های ایجاد تغییر یاری می‌رساند؛ بنابراین، تبیین انسان فطری در اینجا ناظر به کشف کنش فطری سازمان روانی انسان در شکل‌دهی به ایمان و جاری کردن آن در زندگی است؛ تبیین‌ها هم شامل چگونگی کسب ایمان به‌معنای عام (ایمان دینی و غیردینی) و هم شامل چگونگی کسب ایمان دینی می‌شود.

انسان‌شناسی با نگاه فطری‌نگر، پیروان زیادی در بین روان‌شناسان و الاهیون دارد؛ ولی

تفسیر آنها از فطری‌نگری متفاوت است و این تفاوت حتی در بین متفکرانی که در ذیل یک مکتب قرار می‌گیرند، نیز دیده می‌شود. در این فصل، انسان‌شناسی با نگاه فطری‌نگر در چارچوب دیدگاه پیروان صدرا، به‌ویژه علامه طباطبایی، بررسی می‌شود و دامنه بررسی‌ها محدود به مسائلی می‌شود که برای پیشبرد نظریه تربیتی ضرورت دارد، این مسائل عبارت‌اند از:

۱. مفاهیم اساسی؛
۲. تبیین حقیقت انسان مبتنی بر ساختار توحیدی جهان هستی و جایگاه انسان در آن؛
۳. تبیین نقش نیروهای درونی در آشکار شدن فطرت الهی و ساخت ساختمان ایمان؛
۴. تبیین نقش نیروهای بیرونی در آشکار شدن فطرت الهی و شکل‌دهی به ساختمان ایمان.

۱. مفاهیم اساسی

فطرت: فطرت به معنای آفرینش خاص انسان است و هر امری که در هنگام آفرینش در سرشت انسان گذاشته شده باشد، امری فطری نامیده می‌شود. کاربرد فطرت یا امری فطری در این فصل به یکی از دو معنای زیر اشاره دارد:

الف) فطرت در مقابل طبیعت و اشاره به یکی از مراتب وجودی انسان است که با توجه به ظهور من مادی و طبیعی و با آغاز حیات دنیوی، از دسترس بخش هشیار روان انسان خارج می‌شود. از این مرتبه با عناوینی نظیر فطرت الهی، معرفت و گرایش ربوبی، عشق و معرفت به خدا، استعداد ایمان و خدای درونی یاد می‌شود. برخی از مؤلفان، به‌طور عمده فطرت را به همین معنا به کار می‌برند و با بهره‌گیری از دو مفهوم انسان فطرت‌گرا و انسان طبیعت‌گرا، نظریه انسان‌شناسی خود را می‌سازند (حائری شیرازی، ۱۳۷۲، ص ۱۱) فطرت به این معنا از مقولات ماهوی است (وجود عینی و مستقل دارد)؛

ب) فطرت به معنای کیفیاتی که در نیروهای شناختی انگیزشی و گرایشی گذاشته شده است و فعالیت، انسان را به سوی کسب ایمان دینی هدایت می‌کند؛ فعالیت نیروها در گام اول انسان را به سوی شناخت جهان مادی و گرایش به آن و در ادامه به سوی شناخت خدا، شوق به ارتباط با او و ساخت ایمان سوق می‌دهد. در این باره علامه طباطبایی از یک نظام هدایت فطری مشتمل بر مجموعه‌ای از نیروها نام می‌برد که در هنگام آفرینش در نظام روانی انسان نهاده شده و امکان آشکار سازی هسته اولیه فطرت الهی را فراهم می‌کند (طباطبائی، ج ۱۶، ۱۳۶۴، ص ۲۶۹).

از فطرت به این معنا با عناوینی همچون نیروی فطری انگیزشی یا فطری شناختی یا فطری گرایشی یاد می‌شود. فطرت به این معنا وجودی مستقل و عینی از وجود نیروهای شناختی، انگیزشی و گرایشی ندارد و تنها به این اشاره دارد که در این نیروها افزون بر ظرفیت شناخت جهان مادی، ظرفیت کشف و معناسازی دربارهٔ حقایق ماوراءالطبیعی نیز نهاده شده است.

ایمان: ایمان در این کتاب به دو معنای زیر به کار می‌رود:

ایمان انسانی: ایمان انسانی ایمانی است که همهٔ انسان‌ها به‌طور غیراختیاری و از روی ضرورت با آن مواجه می‌شوند و به شکل دهی به آن می‌پردازند و حتی یک فرد پیدا نمی‌شود که نیازمند آن نباشد و به ساخت آن اقدام نکند. ضرورت هم از آنجا ناشی می‌شود که خداوند، عشق به زندگی سعادت‌مندانه را در انسان نهاده، ولی انسان‌ها برخلاف حیوانات که از یک نظام هدایت‌گریزی برای زندگی استمرار زندگی برخوردارند، خود بایستی سختی و لذت‌پرسش از آن و ساختن معنای زندگی را تحمل نمایند و دیدگاهی را درباره زیستن سعادت‌مندانه و ابراز تعهد به آن بسازند و در چارچوب آن زندگی کنند.

ایمان به خدا: ایمان انسانی در اشکال گوناگون متجلی می‌شود و ایمان به خدا یکی از اشکال آن است که در فرایند تلاش انسان برای ساختن معنای زندگی، ممکن است ظهور و بروز پیدا کند، در این شکل از ایمان، خداوند به‌عنوان منبع خیر و سعادت شناخته می‌شود و معشوق‌های دیگر، نظیر ۱. علم و دانش؛ ۲. ارزش سیاسی (قدرت و سلطه)؛ ۳. ارزش زیباشناختی و هنری؛ ۴. ارزش اقتصادی (پول و ثروت)؛ ۵. ارزش اجتماعی (شهرت و محبوبیت)، بر حسب میزان قرار گرفتن در مسیر نیل به معرفت و محبت خداوند واجد ارزش می‌شوند. لذا ایمان دینی به معنای نفی عشق به دیگر ارزش‌ها نیست بلکه جهت‌دهنده به آنها است.

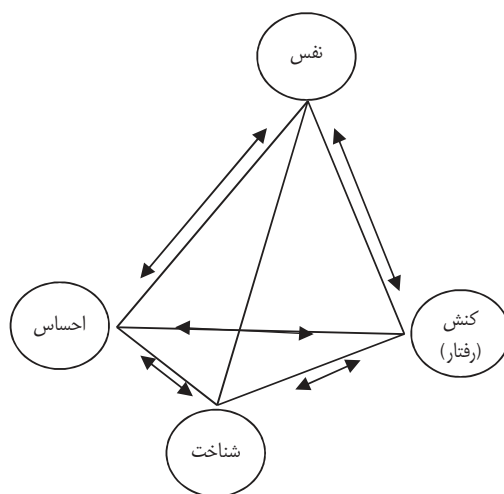
دین‌داری و رابطه آن با ایمان: دین‌داری با شکل‌گیری ایمان به خدا (ابراز تعهد به خدا) در نظام روانی انسان ظهور و بروز پیدا می‌کند و با توسعه ایمان در مراتب ذهنی، قلبی و رفتاری، گسترش پیدا می‌کند. در واقع، دین‌داری حقیقتی واحد و ذومراتب بر حسب مراتب انسان است، دین‌داری در مرتبهٔ عقلی به‌صورت ایمان عقلی و در مرتبه قلبی به‌صورت ایمان قلبی و در مرتبه رفتاری به شکل سبک زندگی مؤمنانه ظاهر می‌شود، به تعبیر دیگر، دین‌داری دارای سه تجلی و ظهور در نظام روانی انسان است: ایمان ذهنی، ایمان قلبی و ایمان جاری شده در رفتار

روح یا من: روح یا من واژه‌ای است که در این فصل و سایر فصول کاربرد فراوانی دارد و به موجودی با ویژگی‌های زیر اطلاق می‌شود:

الف) روح موجودی زنده و پویا است و از همان لحظه تولد به خود و نیازهایش آگاهی حضوری دارد و این آگاهی او را به سوی ارتباط با جهان خارج و رفع نیازهایش برمی‌انگیزاند؛
ب) روح امری ذومراتب است، بدین معنا که با آغاز حیات دنیوی دارای یک مرتبه هشیار و ناهشیار (هشیار نسبت به مرتبه مادی و ناهشیار نسبت به مرتبه الهی) است؛

ج) روح دارای ساختاری هرمی است. در رأس هرم، خود، به منزله امری بسیط قرار دارد و در سطوح هرم سه بُعد اصلی نفس بروز یافته است؛ سطح اول، در بردارنده معرفت و سطح دوم قدرت (توانایی انجام کار) و سطح سوم محبت (احساس) است. در نمودار زیر ساختار سه‌بعدی روح یا نفس به نمایش گذاشته شده است:

نمودار ۱-۱: ساختار سه‌بعدی روح یا نفس



نمودار: هرم سه‌بعدی سازمان روانی

روح یا من با ابعاد سه‌گانه فوق و از طریق تعامل با مرتبه بدنی و نیروهای تأثیرگذار بیرونی شکل‌دهی به شخصیت خود را آغاز می‌کند تا من الهی و در حجاب آشکار شود.

۲. تبیین حقیقت انسان با رویکرد فطری‌نگر

در تبیین حقیقت انسان در چارچوب دیدگاه پیروان صدرا را بایستی با تبیین از ساختار توحیدی جهان هستی و جایگاه انسان در آن شروع کرد؛ چراکه بدون بررسی آنها نمی‌توان تبیینی از حقیقت انسان ارائه کرد. در دیدگاه پیروان صدرا، جهان هستی ساختاری توحیدی دارد و اگر از بالا به جهان هستی نگاه کنیم آن را مشتمل بر خداوند و افعال او می‌بینیم، به بیان فلسفی، جهان صورتی توحیدی و ذومراتب دارد بدین معنا که جهان آفرینش با مراتب متعدد مشتمل بر وجود خدای متعال است که متعالی‌تر و پنهان‌تر از همه مراتب آفرینش است؛ هرچه در مراتب پایین هستی و از جمله در طبیعت است از ناحیه او نازل شده و وجودی مستقل از وجود خداوند ندارند. تفاوت مراتب جهان آفرینش به میزان برخورداری آنها از کمالات مربوط می‌شود.

همه موجودات در سلسله مراتب هستی جایگاه مشخصی دارند و نمی‌توانند ارتقای وجودی از جهت کمالات پیدا کنند، مگر انسان که حیات خود را از پایین‌ترین مرتبه وجود آغاز می‌کند و استعداد آن را دارد که مظهر اسم جامع الهی یعنی خلیفه‌الله شود و به بالاترین مرتبه وجودی ارتقاء یابد.

انسان حیات خود قبل از حضور در دنیا آغاز کرده و در آنجا حیات معنوی و الهی را در عالمی روحانی و قدسی تجربه کرده است. «انسان در آن عالم سرگرم مشاهده نور جمال پروردگار بوده و از رنج و نقایص و عیوب پاک و از مواهب زندگی شیرین و لذت‌بخش بهره‌مند بوده است (از علامه طباطبایی به نقل از صادقی ارزگانی، ۱۳۸۷، ص ۲۰)».

مرتبه مادی انسان، تنزل‌یافته مرتبه الهی آن است و با تنزل از مرتبه الهی‌اش از مقام اصلی‌اش بی‌خبر شده و فراموش کرده که اصل و منزل اصلی‌اش کجاست و خودش را با چهره مادی می‌شناسد و با آگاهی حضوری از خود و نیازهایش، فعالیتش را برای برآوردن نیازهایش شروع می‌کند. در واقع با تحقق تدریجی انسان در عالم طبیعت و ظهور تعلقات مادی، پرده و حجابی بر شناخت و گرایش ربوبی انسان کشیده می‌شود و این حجاب مانع ظهور و بروز آن می‌شود. راه خروج از آن نیز تغییر در تعلقات و دلبستگی‌هاست، به هر میزان که انسان از تعلقات مادی رها شود، به همان اندازه نیز معرفت و محبت الهی دوباره در جان او متجلی

می‌شود. مضمون فوق از آیه میثاق (اعراف، ۱۷۴)^۱ و آیه فطرت (روم، ۳۰) و این روایت از امام علی (علیه السلام) قابل استفاده است:

فبعث فیهم رسله و واتر إلیهم أنبیاءه؛ لیستأدوهم میثاق فطرته، و یدکروهم منسی نعمته، و یحتجوا علیهم بالتبلیغ، و یشیروا لهم دفائن العقول، و یروهم آیات المقدر؛ پس [خداوند] رسولانش را در میان آنان فرستاد و هر چند گاه، پیامبرانی روانه ساخت تا ادا کردن حق میثاق الست را از آنان بخواهند، و نعمت فراموش کرده را به یادشان آرند. و با تبلیغ [رسالت]، حجت را بر آنان تمام کنند و چراغ معرفتشان را بیفزوزند و چشمشان را به آیات قدرت [الهی] بردوزند (نهج البلاغه، خطبه ۱)

بر این اساس، انسان موجودی مادی است که حامل استعداد الهی است و بذر معرفت و عشق به خداوند در سرشت او نهاده شده است. هدف حیات زمینی انسان نیز جوانه زدن این بذر و تبدیل موجود مادی به موجودی الهی است. «آنچه مقصد ذاتی و غایت بعثت و دعوت انبیاء (علیهم السلام) و تلاش اولیاء (علیهم السلام) است، آن است که انسان طبیعی، انسان الهی و روحانی شود، و افق کثرت به افق وحدت متصل شود» (امام خمینی، ۱۳۷۷، ص ۲۹۷)، «تمام کوشش انبیا برای این بوده است که انسان را بسازند؛ تعدیل کنند؛ انسان طبیعی را مبدل کنند به یک انسان الهی» (امام خمینی، ۱۳۸۹، ج ۹، ص ۱۱). خدا می‌خواهد مردم را به «اعلی علیین» برساند. از اسفل السافلین بکشاندشان تا «اعلی علیین». (همان، ج ۸، ص ۴۱۶).

۳. تبیین نقش نیروهای درونی و بیرونی در آشکار شدن فطرت الهی

علامه طباطبایی معتقد است خداوند نه تنها بذر معرفت و عشق به خداوند را در انسان گذاشته، بلکه نظام هدایت فطری در او گذاشته که در شرایط مناسب شخصی و اجتماعی از همان آغاز زمینه پیوند قطع شده انسان با خداوند را فراهم می‌کند. بدین معنا که انسان را به فراتر رفتن از جهان مادی و جستجوی درک مراتب غیر مادی آن سوق می‌دهد که ممکن است تا رسیدن به

۱. و (به خاطر بیاور) زمانی را که پروردگارت از پشت و صلب فرزندان آدم، ذریه آنها را برگرفت؛ و آنها را گواه بر خویشان ساخت؛ (و فرمود): «آیا من پروردگار شما نیستم؟» گفتند: «آری، گواهی می‌دهیم!» (چنین کرد مبادا) روز رستاخیز بگویند: «ما از این، غافل بودیم؛ (و از پیمان فطری توحید بی‌خبر ماندیم)»!

درکی توحیدی از هستی (درکی که در آن همه هستی جلوه حقیقت واحدی است) و احساس وحدت و یکپارچگی استمرار یابد.

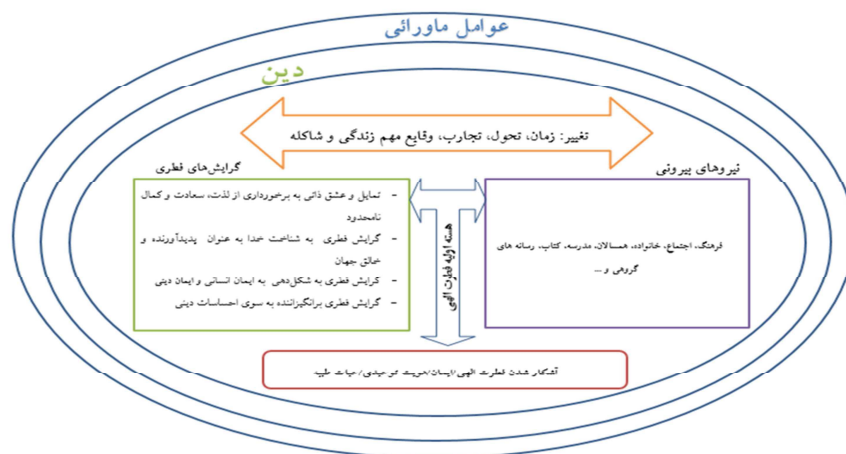
نظام هدایت فطری مشتمل بر نیروهایی است که به طور دائم نیازهایی را در انسان به وجود می‌آورد و آنها را به اهداف، آرمان‌ها و آرزوها تبدیل می‌کنند و او را به تلاش برای رفع آنها وامی‌دارند. پس از انعکاس نیازها در دنیای درونی و ظهور انگیزه برای رفع آنها، نیروی عقل عملی به میدان می‌آید و دانشی را برای رفع نیازها مبتنی بر اطلاعاتش از جهان خارج می‌سازد و اقدام به رفع نیاز می‌کند؛ لذا تحول انسان محصول تعامل نیروهای درونی و نیروهای بیرونی است که اطلاعات را در اختیار فرد می‌گذارد و بر تصمیم‌گیری فرد تأثیر می‌گذارد.

در این چارچوب ظهور و بروز فطرت الهی / من الهی محصول تعامل نیروهای درونی و بیرونی است و با شناخت قواعد تکوینی حاکم بر شیوه عمل نیروهای درونی و نحوه تعامل آنها با نیروهای بیرونی، می‌توان به ارائه تفسیری از چگونگی آشکار شدن فطرت الهی دست یافت. ناظر به این وضعیت در این مبحث نقش نیروهای درونی و بیرونی در آشکار سازی فطرت الهی از طریق بررسی پرسش‌های زیر تبیین می‌شود:

۱. نیروهای درونی که بر آشکار شدن «من الهی» یا همان سرشت ربوبی و آشنایی مجدد انسان با خدا تأثیرگذارند، کدام‌اند و این نیروها به لحاظ روان‌شناختی چگونه زمینه ظهور و بروز مجدد آن فراهم می‌شوند؟

۲. نیروهای تأثیرگذار بیرونی کدام‌اند و این نیروها چگونه بر کارکرد نیروهای درونی تأثیر می‌گذارند؟

در پاسخ به این دو پرسش، ابتدا با بهره‌گیری از مدلی مفهومی، چشم‌اندازی کلان از نیروهای درونی و بیرونی و چگونگی تعامل آنها ارائه می‌شود و در ادامه نقش هریک از نیروها در آشکار شدن من الهی توضیح داده می‌شود. نمودار زیر مدل مفهومی تعامل عوامل درونی و بیرونی مؤثر بر ظهور و بروز فطرت الهی را نشان می‌دهد.



شکل ۱-۲: مدل مفهومی تعامل عوامل درونی و بیرونی مؤثر بر ظهور و بروز فطرت الهی

۳-۱. تبیین نقش نیروهای درونی در آشکارسازی فطرت الهی

اشاره شد که علامه طباطبایی معتقد است خداوند نه تنها بذر معرفت و عشق به خداوند را در انسان گذاشته، بلکه نظام هدایت فطری در او گذاشته که در شرایط مناسب شخصی و اجتماعی از همان آغاز زمینه پیوند قطع شده با خداوند را فراهم می‌کند، بدین معنا که انسان را به فراتر رفتن از جهان مادی و جستجوی درک مراتب غیرمادی سوق می‌دهد که ممکن است در برخی انسان‌ها تا رسیدن به درکی توحیدی از هستی (درکی که در آن همه هستی جلوه حقیقت واحدی است) استمرار یابد.

بنابراین دو موضوع در این مبحث بررسی می‌شود: موضوع اول تبیین مقصود از نظام هدایت فطری است که انسان را به سوی شناخت مراتب بالاتر جهان هستی و در رأس آن شناخت واقعیت غایی و ساخت ایمان سوق می‌دهد، موضوع دوم، تبیین چگونگی کارکرد آن در کمک به انسان در نیل به شناخت خداوند، شوق به ارتباط با او و ساخت ایمان:

۳-۱-۱. تبیین ماهیت نظام هدایت فطری

پژوهشگران در بررسی و کشف ماهیت نظام هدایت فطری در انسان، دو پرسش مطرح می‌کنند و از این طریق دیدگاه خود را در این باره معلوم می‌کنند:

۱. آیا نیروهای شناختی و گرایشی ویژه‌ای در انسان برای شناخت جهان غیرمادی و تمایل به ارتباط با آن وجود دارد یا نه و در هر صورت به لحاظ روان‌شناختی کنش انسان در فرایند نیل به شناخت جهان غیرمادی چگونه است؟

۲. به لحاظ روان‌شناختی چرا انسان‌ها در طول تاریخ به شناخت جهان مادی اکتفا نمی‌کنند و درصدد شناخت جهان غیرمادی و در رأس آن شناخت واقعیت غایی برمی‌آیند. چه ارزش و مزیتی در شناخت مراتب بالاتر جهان هستی وجود دارد که انسان را به سوی شناخت آن وامی‌دارد. اشاره‌ای اجمالی به نتایج یافته‌ها در پاسخ به این دو پرسش، گستره و عمق نگاه ما را به موضوع توسعه می‌دهد و به ما در تبیین مقصود علامه از نظام هدایت فطری کمک می‌کند، در پاسخ به این دو پرسش، برخی محققان بر این باورند که توانایی‌های شناختی که موجب تحول معنوی و دینی می‌شود، همان توانایی‌هایی است که موجب شناخت جهان مادی و اجتماعی می‌شود و انسان برای اندیشیدن در موضوعات معنوی و دینی، شیوه فکری خاصی در اختیار ندارد، به باور آنها، انسان با به‌کارگیری توانایی‌های فکری خود ابتدا به شناخت جهان مادی دست می‌یابد و در ادامه به درک معنوی و دینی از جهان دست می‌یابد (جانسن و بویاتریس، ۲۰۰۶، ص ۲۱۲).

برای نمونه، وولی (۲۰۰۰) در تبیین اینکه چگونه کودک در ادامه شناخت جهان مادی به درکی معنوی و دینی از جهان دست می‌یابد، بیان می‌کند که در سال‌های پیش‌دبستانی و اوایل دبستان، یک‌سری توانایی‌هایی ایجاد می‌شود که بر پایه آن کودکان به تدریج از حقایق غیرمادی آگاه می‌شوند؛ آنها در این گستره سنی، درک خواهند کرد که انسان‌ها موجوداتی جاندار با امیال، احساس و افکاری درونی هستند، در حالی که صخره‌ها و مجسمه‌ها این‌گونه نیستند، آنها به تدریج از محدودیت‌های انسان در علم و قدرت آگاه می‌شوند و به سوی درک موجوداتی غیرمادی و با علم و قدرت نامحدود سوق داده می‌شوند. همچنین کودکان متوجه می‌شوند که واقعیتی عمیق‌تر آن سوی ظاهر وجود دارد (فلاول و گرین،^۱ ۱۹۸۶)، بارت و ریچرت به شیوه تجربی نشان می‌دهند که تبیین‌ها و هستی‌شناختی کودکان فراتر از چیزهای معمول و عادی رفته و در مورد وجود عوامل ماوراءالطبیعی و زندگی پس از مرگ استنتاج می‌کنند (بارت و ریچرت،^۲ ۲۰۰۳).

1. Green & Flavell

2. Richert